

جنسیت و صلح جهانی

والری.م هادسون
بانی بالیف - اسپانویل
ماری کاپریولی
چاد. اف. امت

مترجمان:

مژگان دستوری
الهام دانشجو



مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی

منشور صلح

عنوان و نام پدیدآور	: جنسیت و صلح جهانی/نویسندگان والرئ.م هادسون...[و دیگران]؛ مترجمان مژگان دستوری، الهام دانشجو.
مشخصات نشر	: تهران: منشور صلح، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۲ ص: نقشه
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۸۶۱-۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Sex and world peace, 2012.
موضوع	: روابط بین‌المللی - جنبه‌های اجتماعی / International relations - Social aspects
موضوع	: تبعیض جنسی علیه زنان / Sex discrimination against women
موضوع	: زنان و جنگ / Women and war
موضوع	: جنگ و جامعه / War and society
موضوع	: صلح -- جنبه‌های اجتماعی / Peace -- Social aspects
شناسه افزوده	: هادسون، والرئ.م.، ۱۹۵۸ - م / Hudson, Valerie M
شناسه افزوده	: مترجم: مژگان، ۱۳۴۶، مترجم/ دانشجو، الهام، ۱۳۶۲، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۳۱۶JZ
رده‌بندی دیویی	: ۶۶۳.۰۳
کتاب‌شناسی ملی	: ۶۱۱۵۱۳۴



انتشارات منشور صلح

عنوان: جنسیت و صلح جهانی
نویسندگان: والرئ.م هادسون، بانی بالیف، اسپانوئل، ماری کاپریولی، چاد.اف. امت
مترجمین: مژگان دستوری، الهام دانشجو
ناشر: منشور صلح
ناشر همکار: اندیشه احسان
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۸۶۱-۰۰

www.ketab.ir

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر مشروط به اجازه کتبی از ناشر است.

حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات منشور صلح است.

تلفن: ۰۹۱۲۴۹۸۴۵۰۷-۸۶۰۷۰۳۸۰

دفتر نشر: تهران، خ کریم خان زند، خ ایرانشهر، ساختمان کسری، پ ۱۹۷، طبقه چهارم

جنوبی

فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه

همکف، واحد ۳۱۷

تلفن: ۶۶۴۶۶۰۰۱ - sociologybookstore تلگرام، andishe_ehsan اینستاگرام

فهرست مطالب

مقدمه مترجم ۷

پیشگفتار تیم نویسندگان ۳۵

فصل اول:

ریشه‌های روابط ملی و بین‌المللی ۳۷

فصل دوم:

چه چیزی را باید دید و چرا ما آن را نمی‌بینیم ۶۱

فصل سوم:

با نگاهی به تصویر جهان این سؤال پیش می‌آید: چطور این اتفاق افتاد... ۱۱۷

فصل چهارم:

قلب موضوع: امنیت زنان و امنیت کشورها ۱۷۳

فصل پنجم:

بال‌های روابط ملی و بین‌المللی: اعمال تغییرات مثبت از طریق رویکردهای

بالا به پایین ۲۱۹

مقدمه مترجم

بحث توسعه و رقیق‌بندی کشورها در این خصوص از جمله مباحث علمی در علوم انسانی است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. اگرچه اولین رویکردها به توسعه، معطوف به رشد اقتصادی بود؛ ولی پس از مدتی این باور پذیرفته شد که توسعه همه ابعاد حیات انسانی اعم از بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در برمی گیرد و آن چه امروزه به عنوان توسعه از آن یاد می‌شود را می‌توان در یک کلام همان «تعالی انسان‌ها» دانست؛ اما تحولات اقتصادی، اجتماعی و همچنین پیشرفت‌های فناورانه بسیاری که در دهه‌های اخیر روی دادند با گسترش موضوعات مرتبط با توسعه و پیوند آن با مفاهیم کلی‌تر سبب شد تا بحث توسعه در ارتباط با حوزه‌های دیگر علوم بسط پیدا کند.

یکی از این حوزه‌ها، صلح است. مدرن‌سازی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی که حول محور ارزش‌های سیاسی به وقوع پیوست، مفاهیم مدرن و عامی همچون آزادی، شهروندی، برابری و حقوق انسانی را مطرح می‌نمود که اگر چه برای گروه‌هایی از مردم نتایج رضایت‌بخش در برداشت، اما میان گروه‌های حاشیه‌ای و فرودست محروم از حقوق انسانی همچون

سیاهان، کارگران، و زنان... به واسطه تعارضی که در وضعیت عینی و اجتماعی با ذهنیت انسانی آنها پدید آورد، مطالباتی را اقتضا می‌کرد که تحقق آنها به رقم خوردن جنبش‌های اجتماعی قرن بیستم منجر شد که در بسیاری از موارد ناآرامی‌ها و خشونت‌های بسیاری را به دنبال داشت.

از سوی دیگر رشد جهانی فناوری‌ها که طی دهه‌های اخیر سرعت حیرت‌آوری را به نمایش گذاشته است، در کنار مواهب و منافع خود، با پدید آوردن آسیب‌ها و مخاطراتی برای کره زمین و محیط زیست و به طور کل برای حیات انسانی سبب شد تا مباحث توسعه در موضوعاتی همچون بوم‌شناسی زیست‌محیطی، توسعه پایدار، فمینیست... هم‌پوشانی بسیاری با صلح و فرهنگ صلح پیدا کند. دو موضوع توسعه و صلح، آن‌چنان دارای وابستگی متقابل هستند که سرنوشت سیاره ما و زندگی بشریت به یافتن پاسخ‌های مناسب برای مسائل و مشکلات در این دو حوزه وابستگی دارد. ارتباط صلح با فقر اقتصادی و فرهنگی در جوامع توسعه نیافته به وضوح قابل رؤیت است. فقدان آگاهی و توزیع غیراصولی و نابرابر منابع، اغلب منشأ فقر، نابرابری و محرومیت در کسب فرصت‌ها می‌شود که در دهه‌های اخیر همین امر منشأ منازعات و درگیری‌های بسیاری توسط گروه‌های فقیر و بدون قدرت بوده است.

اما مسائل و گرفتاری این بخش‌ها و پاره‌های توسعه نیافته پیکره جامعه بشری هرگز به مرزهای آن جوامع محدود نبوده و نخواهد بود؛ زیرا تجربه نشان داده است با وجود مرزهای مشترک این اجتماعات و گروه‌ها با بخش‌های ثروتمندتر، همواره دامنه این مشکلات و نابسامانی‌ها تا قلب سرنوشت همسایگان و حتی با مهاجرت، به کشورهای غیرمجاور کشیده می‌شود. از این رو، در جهان امروز این اصل پذیرفته شده است که توسعه نیافتگی مصیبت مشترک جامعه بشریت است. همچنین این باور جاافتاده است که دیگر بی‌اعتنایی به پدیده مذکور یا مقابله با آن چاره کار

نیست، بلکه با درک تازه از وابستگی‌های متقابل اوضاع جهانی و سرنوشت انسان‌ها بایستی به موضوعاتی از قبیل منافع مشترک، آینده مشترک و امنیت مشترک جدی‌تر بپایان‌دیشیم. اگر در گذشته سرنوشت صلح در جوامع به تصمیم و اوضاع و احوال دولت‌ها وابسته بود، در این دوره به وضوح شاهد آنیم که ماهیت امنیت تغییر یافته است. آن چه امروز در بیشتر موارد امنیت و آرامش جوامع را برهم می‌زند، در کنار تنش و خشونت میان دولت‌ها، وجود نابرابری‌ها و محرومیت‌های اجتماعی میان اقشار و گروه‌های مختلف در داخل مرزهای کشورها هست که منجر به ایجاد منازعات و درگیری‌های فراوان در جامعه می‌شود؛ حتی اگر به مناقشات مسلحانه هم منجر نشود. در طول قرن گذشته شاهد ناآرامی‌ها و تنش‌های اجتماعی بسیاری در سطح جهان و در داخل کشورها بوده‌ایم که منشأ آن مطالبات عدالت‌خواهانه و حقوق اجتماعی اقلیت‌ها و گروه‌های حاشیه‌ای بوده است. از این منظر با کمرنگ شدن تهدیدهای سنتی به خصوص تهدیدهای مربوط به رقابت ابرقدرت‌ها، موضوع امنیت و صلح، به پارادایم‌های جدیدی وارد شده که در آن، امر تهدیدکننده را باید در مؤلفه‌های دیگری جستجو کرد. نسل جدید نظریه‌پردازان در این حوزه، علاوه بر قدرت نظامی و زیرساخت‌های فناورانه، بر دگرگونی‌های ساختاری دیگری همچون آزادی، دموکراسی، برابری، رفاه اجتماعی، درآمدهای اقتصادی و مسائل زیست‌محیطی تأکید کرده و در کنار امنیت نظامی، ابعاد جدید امنیت انسانی همچون اقتصادی و اجتماعی و پیوند این ابعاد با هم را مطرح می‌سازند. این ابعاد، نیازمند درآمد پایه تضمین شده، دسترسی به مواد غذایی اصلی، سلامت فردی مناسب، محیط فیزیکی سالم، آزادی از تهدید خشونت، هویت فرهنگی، حمایت جامعه و احترام به حقوق بشر است که موضوعات پایه در مبحث توسعه نیز محسوب می‌شوند. مفهوم صلح مدنی میان جوامع و گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی در داخل کشورها ناظر بر همین شرایط است.